

## نقش تاریخ جبل عامل

### در گسترش فرهنگ اهل بیت (ع)

سمیه باقری

#### ۱. دعوت شاه اسماعیل و شاه طهماسب

##### از علمای عاملی و علل مهاجرت آنان

تلاش حکومت صفوی برای ترویج و توسعه مذهب تشیع در آغاز این حکومت، با شور و شعار بسیاری همراه بود. شمشیر شاه اسماعیل یکم، بیش از هر عامل دیگری، در دگرگونی مذهب بسیاری از مردم قلمرو او مؤثر بود و تیغ تبرائیان، در دوری جستن سنیان ایران از مذهب خویش، نقش بنیادی داشت. حکومت صفوی رفته رفته به این حقیقت پی برد که با شمشیر می توان مردم را به ترک مذهب تسنن و پذیرش تشیع واداشت، ولی ترویج بنیادی تشیع و برآوردن نیازهای مذهبی کسانی که به تشیع گرویده اند، به وسیله ای دیگر نیاز دارد و در این زمینه باید راهی بنیادی و اصولی انتخاب شود. با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل، بسیاری از علمای ایران به دست او کشته یا از کشور رانده شده بودند و تکیه بر روحانیان ایرانی موجود و قدرت بخشیدن به آنان، در کشاکش درگیری عناصر ترک و تاجیک در حکومت چندان به سود صفویان نبود، از این رو دولت صفوی تصمیم گرفت همان شیوه ای را پیش بگیرد که حکومت سرداران برای دعوت از شهید اول به ایران و ترویج و توسعه تشیع به کاربرد، در نتیجه تربیت یافتگان مکتب علمی شهید اول را از جبل عامل به ایران فراخواند.<sup>۱</sup> در جای دیگری از انگیزه های دعوت شاه اسماعیل و شاه طهماسب به عنوان گذار از تصوف به تشیع یاد شده «چون تصوف برای اداره حکومت به کار نمی آمد و رابطه مرید و مرادی برای کشورداری کارایی لازم

را نداشت و از طرفی مشروعیت مذهب تسنن از میان رفته و برای اداره کشور به ایدئولوژی منسجمی نیاز بود، به همین دلیل صفویه هر چه بیشتر به سمت تشیع و فقه شیعی کشیده شد.<sup>۲</sup>»

#### ۲. علل قبول دعوت علما برای مهاجرت

منطقه جبل عامل در طول تاریخ بستر ناامنی و مبارزات همه جانبه برای شیعیان منطقه بوده و در طول تاریخ علت های مختلفی برای وجود ناامنی و جنگ و تشویش در منطقه وجود دارد که به ذکر چند نمونه کوتاه اما مهم می پردازیم، از جمله «نفوذ و سلطه حکومت های سنی مذهب بر شام، از حکومت صالحیک گرفته تا امپراطوری عثمانی تمامی شیعیان این قلمرو را در سختی و آزار قرار داده بود و پس از آن نهضت علمی جبل عامل که به این منطقه چهره شاخص علمی و فرهنگی داد و آن را به صورت پایگاه اصلی شیعیان شام درآورد، حکومت های سنی این منطقه را در کانون تکاپوهای شیعه ستیزی خود قرار دادند و سرسختانه به دشمنی با خاندان های شیعه کمر بستند. از این زمان حکومت عثمانی نیز مانند دولت معالیک در آزار شیعیان این منطه کوشید.<sup>۳</sup>»

۱. مهدی فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص ۹-۱۰ (چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷).

۲. موسی نجفی، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دین، دولت، تجدد) تکوین هویت ملی نوین ایران از عصر صفویه تا دوران معاصر، ص ۲۹ (چاپ دوم، منیر، تهران، ۱۳۷۸).

۳. مهدی فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص ۹۳ (چاپ اول).



### ۳. حضور محقق کرکی در ایران و نقش او در گسترش تشیع فقه‌اقتی عصر صفوی

تأکید می‌کرد و به علمای صالح اجازه می‌داد که اجتهاد کنند و بنابر روش‌های معتبر استنباط و استنتاج نتایج مورد نظر خود را از منابع فقهی استخراج کنند.<sup>۴</sup> یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های مهاجر به ایران که نقش تعیین‌کننده در مقطعی از دوره یکم ساختار دینی ایران در عهد صفویان پیدا کرد علی بن عبدالعالی کرکی بود. فعالیت‌های کرکی در ایران را طی دو دوره می‌توان بررسی کرد، دوره یکم عصر آشنایی او با شاه اسماعیل یکم و دوره دوم، هنگام فعالیت‌های جدی او در زمینه تبلیغات مذهبی در ایران روزگار فرمانروایی شاه طهماسب یکم به شمار می‌رود. محقق کرکی پیش از توسعه ارضی دولت صفوی در بین‌النهرین به عتبات مهاجرت کرده در نجف اشرف ساکن شده بود. هنگامی که بغداد توسط قزلباشان گشوده شد، نخستین ارتباط میان او و دولت صفوی برقرار شد. ظاهراً او در این زمان با شاه اسماعیل دیدار کرد. کرکی فقهی برجسته و تکاپوگری خستگی‌ناپذیر در دوره یکم فرمانروایی صفویان بود. به نظر می‌آید او تأثیر چشمگیری در شکل‌گیری ساختار جدید دینی ایران گذاشت و به دلیل توجه فراوان دولت صفوی به او، توانست با بهره‌گیری از امکانات جدید و شرایط فراهم شده از سوی دولت صفوی، ساختار جدید دینی صفوی را رفته‌رفته نیرومند گرداند، ساختاری که پس از او ادامه یافت و دگرگونی‌هایی را از سر گذراند. منابع تاریخ‌نگاری رسمی عهد صفوی معمولاً دلیل کامیابی کرکی را توجه فراوان شاه صفوی به او می‌دانند. به سخن دیگر آنان با تأکید بر ویژگی‌های پارساگرایانه و دینی مخصوصاً از سوی شاه تهماسب صفوی، همین دل‌بستگی را عامل اصلی توجه به فعالیت‌های مذهبی این فقیه برجسته معرفی می‌کنند. آشکاراست که دست‌کم از دیدگاه تکاپوهای برخی از علمای مهاجر، تکاپوهای مذهبی و سیاسی محقق کرکی سرآغاز دورانی جدید هم در تاریخ فقه شیعه بود و هم روشنگر و نشانگر

مثلاً برای نمونه می‌توان به فرمانی که حاکم شام در قرن هشتم صادر کرده است اشاره نمود: «جماعتی از اهل صیدا و بیروت و نواحی دیگر به تشیع عمل می‌کنند و به آن اعتقاد دارند و دسته‌ای از سپاهیان خود را برای قلع و قمع این جماعت ملحد تجهیز کرده‌ایم و قبل از اقدام صلاح دیدیم که به آنها اخطار دهیم تا به همه آنها اطلاع داده شود و به آنان تفهیم گردد که اعتقادشان خونشان را مباح ساخته است».<sup>۴</sup> البته به دلایل دیگری نیز از قبیل کمبود فقیهان و نبود کتب شیعی و عالمان شیعی در ایران عصر صفوی اشاره شده که به موجب آنها شاه اسماعیل و یارانش در تبریز برای یافتن کتابی که مردم بر طبق آن به وظایف دینی خود عمل کنند دچار مشکل شدند و روملو در این مورد نیز در کتابش اشاره کرده است که «از کتب فقه امامیه چیزی در میان نبود و بالاخره جلد اول کتاب قواعدالاسلام علامه حلی را که قاضی نصرالله زیتونی داشت گرفته و از روی آن تعلیم و تعلم مسائل دینی می‌نمودند».<sup>۵</sup> لذا به نظر می‌رسد علما بهترین راه را انتخاب کردند و با درک این که می‌توان با استفاده از این فرصت تاریخی، پایگاهی مطمئن برای تشیع در جهان ناامن آن روزگار ایجاد کرد به همکاری با صفویان پرداختند و با کمک به دولت صفوی آن را در مقابل دو دشمن متعصب (عثمانیان و ازبکان) یاری کردند. در ضمن کوشیدند تا تشیع فقه‌اقتی و علمی را جایگزین تشیع صوفیانه قزلباش کنند و با این کار نقطه عطفی در تداوم حیات مذهبی شیعه به وجود آوردند. در عین حال باید توجه داشت که فقهای شیعه هیچ‌گاه به سلطنت مشروعیت نبخشیدند و مانند همتایان سنی خود در عثمانی که سلطنت را به بخشی از خلافت تبدیل کردند سلطنت را به بخشی از امامت تبدیل نمودند. آنان خود را نایبان امام می‌دانستند و در دستگاه حاکمان جور نه به نیابت از حاکم بلکه به نیابت از ائمه عمل می‌کردند.<sup>۶</sup> شهید اول، شاگرد مدرسه حله را باید بنیانگذار حوزه جبل عامل دانست. وی با تأکید بر نقش فقیه در عصر غیبت حرکتی جدید را در میان علمای شیعه لبنان نهاد که بعدها سرمشق محقق کرکی و علمای اصولی دیگر گردید. در زمان شهید، مرجعیت شیعه در جبل عامل پراکنده بود و مردم به مجتهدهایی که در شهرها و روستاها حضور داشتند رجوع می‌کردند اما با توجه به وسعت علمی شهید دائره مرجعیت وی گسترده شد. او با سفرهای متعدد به مکه و مدینه و بغداد و مصر و دمشق و بیت المقدس و حضور در مجامع علمی و بحث با علمای مذاهب مختلف وجهه و اعتبار علمی زیادی کسب کرده بود.<sup>۷</sup>

۴. جعفر المهاجر، الهجرة العاملیه الی ایران فی عصر الصفوی، ص ۹۵ (دارالروضه، بیروت، ۱۹۸۹).
۵. حسن بیگ روملو، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحمین نوایی (بابک، تهران، ۱۳۵۷).
۶. آن پمبتون، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه و تحقیق عباس صالحی و محمد مهدی فقهی، ص ۴۱۴ (عروج، تهران، ۱۳۷۴).
۷. آراه فی المرجعیه الشیعیه (مجموعه مقالات) ص ۳۸۶ و ۳۸۷ (دارالروضه والنشر التوزیع، بیروت، ۱۹۹۴).
۸. مهدی فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص ۱۰۴.

دادند. شاه طهماسب امور کشور را به اختیار او در آورد توقع به تمام شهرهای قلمرو خود فرستاد تا از فرمان او اطاعت کنند و بدانند که پایه مملکت و کشورداری به عهده اوست، زیرا نایب امام است و امور محول به امام زیر نظر او اداره خواهد شد. محقق کرکی با این پشتوانه ابلاغیه ها و دستور العمل هایی به تمام شهرهای امپراطوری صفوی فرستاد و از مردم هر شهر خواست که بر اساس قانون اسلام مالیات پردازند. کرکی همچنین شیوه گرفتن مالیات و مقدار و مدت آن را تعیین کرد و به ویژه دستور داد که علمای مخالف را از کار برکنار کنند. وی فرمان داد در هر شهر و دهکده ای امام جماعتی تعیین شود تا نماز جمعه برپا دارند و اصول اسلام را به مردم بیاموزند.<sup>۱۱</sup>

یکی از مسائلی که در دولت صفوی به صورت یک جریان فکری مطرح شد و بحث های زیادی را برانگیخت مسأله نماز جمعه بود. در این دوره مسأله نماز جمعه به اندازه ای حساس و درخور توجه بود که کمتر می توان دانشمند شیعه صاحب نظری را یافت که در این زمینه اظهار نظر نکرده باشد. بحث و گفتگو درباره وجوب یا حرمت برپایی نماز آدینه در زمان غیبت در عصر صفوی شکل نویی یافت و بحث های زیادی در زمان سلطنت شاه طهماسب و پس از آن مطرح شد. در این دوره نزدیک به نود رساله درباره نماز آدینه نوشته شده که بخشی از آنها در دسترس نیست و از این تعداد ۴۷ رساله در اثبات وجوب عینی نماز آدینه و سیزده رساله به طور صریح برپایی نماز آدینه را در عصر غیبت حرام دانسته است. تعدادی از این رساله ها درباره وجوب تخییری یا اثبات عدم وجوب عینی نوشته شده است.<sup>۱۲</sup>

اولین رساله ای که محقق کرکی آن را نگاشت و در آن وجوب تخییری نماز جمعه را به اثبات رساند به صورت رساله ای در بحث از ولایت فقیه درآمد. او وجود امام معصوم یا نایب خاص او را شرط اقامه جمعه و در عین حال وجود نایب عام را نیز برای اقدام به این واجب در عصر غیبت کافی دانست، وی از آن جا که فقها نوعاً در عصر غیبت فتوا به وجوب عینی نداده بودند، اقامه آن را با حضور نایب عام بر اساس واجب تخییری عنوان کرد تا با اجماع علما، دایره بر قول عدم وجوب عینی، درگیر نشود. او برای اثبات این که نایب عام با نایب خاص تفاوتی ندارد، ادله

آغازی برای دوران جدید از تکاپوهای مذهبی و در نتیجه آن سیاسی دولت صفوی در ایران به شمار می رود. در دوره بندی های سیر تحول فقه شیعه تکاپوهای محقق کرکی را می توان کوششی سازمان یافته برای ایجاد ساختاری تازه بر مبنای تعالیم تشیع اثنی عشری به شمار آورد. دیدگاه های فقهی محقق کرکی از جهاتی با دوره پیش از شکل گیری دولت صفوی و پیدایی ساختار اثنی عشری دینی آن بر گونه سازمان های سیاسی-مذهبی تفاوت دارد. نخستین تفاوت در قدرت علمی و فقهی کرکی مشاهده می شود. کرکی با قدرت علمی خویش مبانی فقهی را به شیوه ای استوار ارائه داد.

ویژگی بنیادی روش فقهی او و وجود استدلال های قوی درباره موضوعات مورد بحث در فقه بود. شیوه او در این باره ارائه دلایل و برهین دیدگاه های مخالف به صورتی عمیق و دقیق بود. پس از آن او دیدگاه های خود را با استدلال قوی ارائه و اثبات کرده است. اما آنچه دیدگاه ها و تکاپوهای کرکی را پراهمیت و درخور توجه می سازد دیدگاه های فقهی او در پیوند با تغییرات و دگرگونی های به وجود آمده پس از تشکیل دولت صفوی است. مسائل خاصی که تغییر نظام حکومتی و به قدرت رسیدن تشیع اثنی عشری در ایران عصر صفوی به وجود آورده بود، فقها و علمای این دوره را عمیقاً درگیر مسائلی جدید کرده بود. مسائلی از قبیل حدود اختیارات فقیه، نماز جمعه، خراج، و مقاسمه و نظایر آن که پیش از این تغییرات به دلیل عدم ابتلا جای مهمی در فقه اثنی عشری نداشت در این زمان سخت مورد توجه قرار گرفت. کرکی خود این مسائل را در آثار برجسته فقهی خود مانند جامع المقاصد و تعلیق الارشاد و فوائد الشرایع به گستردگی مورد بحث قرار داده است و درباره برخی از آنها رسائل مستقلی نوشته است.<sup>۹</sup> با این همه به نظر می رسد که کرکی در زمان حکومت اسماعیل یکم توفیق چندانی به دست نیاورده باشد، چرا که اسماعیل به رغم فرزند خود طهماسب پیش از هر کس خود را تجسم خدا می دانست و کرکی در زمان او امکان زیادی برای دستیابی به قدرت و مقام بالا در دربار صفویان نداشت.<sup>۱۰</sup> پس از مرگ شاه اسماعیل محقق کرکی به عنوان نایب عام مهدی (عج) در همه شئون اقتصادی و سیاسی و دینی دولت شیعی جدید، صاحب اختیار مطلق شد تا آن جا که شخص شاه طهماسب نیز نایب او به شمار می آمد. کرکی به شیوه شهید اول از سوی خود نمایندگان ویژه به نواحی مختلف فرستاد. قرار گرفتن در این جایگاه تازه به وی امکان داد تا در امور مذهبی به اجتهادهای نو دست بزند تا آن جا که نویسندگان غیر شیعه به علت بسیاری فتاوی کرکی در امور مختلف او را «مخترع الشیعه» لقب

۹. منصور هفت گل، ساخت نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۱۵۰-۱۵۴ (چاپ اول، خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۱).

۱۰. مهدی فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص ۱۰۸.

۱۱. همان، ص ۱۰۹-۱۰۸.

۱۲. همان، ص ۱۱۸.



ولایت فقیه را پیش کشید. این نکته نیز گفتنی است که وجوب تخیری که نخستین بار محقق در زمان شاه اسماعیل مطرح کرد و همان نیز مبنای اقامه نماز جمعه شد مبتنی بر اثبات قدرتی مستقل از قدرت شاه برای فقیه بود<sup>۱۳</sup> و رساله نماز جمعه او از آن جهت اهمیت دارد که در آن اندیشه سیاسی شیعه به ویژه ولایت فقیه را مطرح ساخت و مورد بحث و بررسی قرار داده است. او رساله خود را به سال ۹۲۱ قمری تألیف کرده که در آن زمان احتمالاً هنوز موقعیت چندان مهمی از لحاظ حکومتی نداشته است و رساله او پیش از رساله شهید نگاشته شده و در هر حال مسأله را به طور جدی بیان کرده است.<sup>۱۴</sup> کرکی در جامع المقاصد در بحث از نماز جمعه ابتدا با برشمردن شرایط نماز جمعه که از جمله آنها حضور سلطان عادل (امام معصوم) یا نایب اوست حکم اقامه آن را در عصر غیبت بررسی می کند. در این جا کرکی با اثبات جواز اقامه نماز جمعه که اصولاً امری سیاسی تلقی می گردد اختیاراتی بیش از فتوا و قضاوت برای فقیه قایل می شود و نیز به نصب فقیه از جانب امام به عنوان حاکم تصریح می کند، در حاشیه بر شرایط اثر فقهی مهم دیگرش نظری مبنی بر وجوب رجوع شیعیان در اختلافات خود به فقهای عادل شیعی، مستندات روایتی خود را نسبتاً مفصل ذکر می کند. در رساله نماز جمعه به طرح نظریه ولایت فقیه می پردازد و شرایط فقیه را نیز برمی شمارد و به اختیارات فقیه مانند قضاوت و اجرای حدود اشاره دارد. در اثر فقهی مهم دیگر خود به نام رساله خراجیه به دریافت و تقسیم خمس و زکات و خراج از طرف فقیه می پردازد.<sup>۱۵</sup>

کرکی در مورد مسأله نیابت و مسأله اقامه نماز جمعه در میان خود با مخالفانی روبه رو شد از جمله میرنعمت الله حلّی که در دربار صفوی حاضر به مناظره با کرکی شده بود و گزارش مفصل درگیری وی با کرکی در احسن التواریخ روملو آمده که در آخر منجر به متهم شدن و تبعید حلّی به بغداد شد.<sup>۱۶</sup> پس از مسأله نماز جمعه و نیابت امام مسأله مهم دیگری که موجب واکنش تندی چند از علمای معاصر کرکی گردید پرداختن به مسأله خراج و آرا و نظریات کرکی در مورد آن است. «محقق کرکی رساله خراج را بدان جهت نگاشته که نشان دهد اولاً در زمان غیبت، گرفتن خراج از اراضی متعلق به امام جایز است و ثانیاً شیعیان می توانند به طرق مختلف از مال خراج بهره برند چنان که می توانند آن اموال را از سلاطین جور خریداری کنند.<sup>۱۷</sup> یکی از مخالفان سرسخت کرکی در مورد مسأله خراج شخصی به نام ابراهیم بن سلیمان قطفی (م ۹۵۰م) است. قطفی برخلاف کرکی پرداخت خراج و استفاده از آن را حرام یا حداقل مکروه می دانست و خود شخصاً از پذیرش هدایای شاه طهماسب خودداری کرد.

قطفی در رساله ای مستقل به رد نظریات کرکی می پردازد. وی احادیثی که محقق در جواز اخذ خراج آورده بررسی کرده و می گوید که این احادیث نمی تواند حلیت اخذ مستقیم خراج را از مردم ثابت کند. قطفی از کار کرکی در گرفتن خراج از روستاییان که به او واگذار شده بود به شدت انتقاد می کند و می گوید خراج مالی حرام است و به نظر وی گرفتن خراج توسط جائز، غصب و ظلم است. قطفی در این رساله با تندی تمام علمایی را که به دربار صفوی نزدیک شده اند مورد حمله قرار می دهد و از کرکی که بزرگ ترین عالم شیعی زمان بوده و به تصریح خود وی مشهور به ریاست شیعیان است با کنایه و تصریح به عنوان جاهل و دنیاطلب و کسی که دین را وسیله کسب مال و مقام قرار داده است یاد می کند.<sup>۱۸</sup> محقق کرکی در عمل حلیت خراج را تأیید کرد و هدایایی را از شاه اسماعیل و مقررری هایی از شاه طهماسب یکم را نه تنها پذیرفت، بلکه هنگامی که ابراهیم بن سلیمان قطفی، هدایای شاه طهماسب را نپذیرفت با نکوهش گفت: وقتی امام دوم شیعیان حسن بن علی (ع) هدایای اولین خلیفه اموی (معاویه) را پذیرفته است تو چگونه از پذیرش هدایای شاه صفوی امتناع می کنی، در حالی که نه تو از امام حسن مجتبی (ع) پرهیز گارتری و نه طهماسب از معاویه بدکارتر است. قطفی این قیاس را نادرست دانست و استدلال کرد که امام حسن (ع) به عنوان امام مسلمین و کسی که همه اموال مسلمانان به وی تعلق دارد در پذیرش آن هدایا محق بوده است.<sup>۱۹</sup> آنچه آمد نشانگر این مطلب است که صرف نظر از مناظره علمی میان محقق کرکی و قطفی که شاید جنبه های انسانی نیز در آن دخالت داشته است موضوع تطبیق آرمان های تشیع با آرمان های سیاسی و اجتماعی دولت صفوی سبب ایجاد گونه ای چنددستگی میان علمای این دوره شده بود. موافقت کرکی با سیاست های دولت صفوی خود به خود انگیزه ای نیرومند

۱۳. رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، ص ۱۳۳-۱۳۴ (چاپ اول، انصاریان، قم، ۱۳۷۰).
۱۴. همان، ص ۱۴۱.
۱۵. سید محمدعلی حسینی زاده، علما و مشروعه دولت صفوی، انصاریان، قم (چاپ اول، انجمن معارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۹).
۱۶. حسن بیک روملو، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی، ص ۳۳۳-۳۳۴.
۱۷. رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، ص ۱۹۱.
۱۸. سید محمدعلی حسینی زاده، علما و مشروعه دولت صفوی، ص ۱۴۷-۱۵۰.
۱۹. مهدی فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص ۱۱۴.

برای دیگر علمای شیعه بود تا با توسل به سنت پیشین اندیشه ای، این اقدام را نوعی تجدیدنظر در آن آرمان به شمار آورند.<sup>۲۰</sup>

حسین بن عبدالصمد حائری (۹۱۸-۹۸۴): وی نیز یکی از علمای بزرگ شیعه است که در روستایی نزدیک صیدا به نام جیب متولد شد و در حدود سال ۹۶۰ به ایران آمد. او شاگرد و یار و همراه شهید ثانی است که او را در سفرهایش به مکه و قاهره و استانبول و عراق همراهی کرده است. در سفری که با شهید به عثمانی داشت وی اجازه تدریس در مدرسه ای در بغداد را از دربار عثمانی گرفت. وی به دلیل فشارهای موجود ناچار از ترک جبل عامل و سفر به ایران شد. پس از ورود به ایران مدتی را در اصفهان به تدریس اشتغال داشت تا این که شیخ علی منشاره (زین الدین شیخ علی عاملی یکی دیگر از پیشگامان هجرت در زمان طهماسب و شیخ الاسلام اصفهان) وی را به شاه طهماسب که آن زمان در قزوین پایتخت وقت صفویان به سر می برد، معرفی کرد و شاه به خط خود او را به پایتخت دعوت کرد و او را به شیخ الاسلامی پایتخت منصوب نمود. وی هفت سال در این سمت باقی ماند تا این که شاه او را به خراسان فرستاد و منصب شیخ الاسلامی آن منطقه به خصوص هرات را به او واگذار کرد.<sup>۲۱</sup> به نظر می آید یک عامل برای تغییر منصب او از قزوین به مشهد و خصوصاً هرات ریشه در موضوع گسترش سیاست های مذهبی و اقتصادی و فرهنگی دولت صفوی به ویژه در مرزهای شرقی کشور داشت. او طی مدت شیخ الاسلامی رساله ای در رد اهل و سواس به نام العقد الحسینی نوشت.<sup>۲۲</sup> وی پدر یکی از برجسته ترین چهره های علمی این عصر، شیخ محمد عاملی مشهور به شیخ بهائی است که از جهت برخوردها و مواضع دوگانه اش در برابر حکومت صفوی، در میان عالمان این عصر چهره ای یگانه است. او سال های دراز با حکومت صفوی همگامی می کرد و در سال های پایانی عمر به سبب وضع نابسامان دربار صفوی از ایران گریخت و وی تنها مهاجر عاملی است که از خود سفرنامه ای بر جا نهاده است.<sup>۲۳</sup>

بهاء الدین محمد عاملی (شیخ بهائی): شیخ بهائی را آخرین نماینده برجسته گروه علمای مهاجر در ایران می توان دانست که بالاترین مقام را در ساختار دیوانی دینی داشته است. گرچه پس از او هنوز عاملیانی پراهمیت زیستند و حتی شیخ حر عاملی خود به عنوان عالمی برجسته در مشهد شیخ الاسلام شد، اما دیگر در رأس هرم قدرت ساختار دینی به جای علمای مهاجر، علمای تربیت شده زیر نظر آنان یعنی علمای ایرانی قرار گرفتند.<sup>۲۴</sup> شیخ بهائی به گفته افندی در زمان شاه عباس یکم منصب شیخ الاسلامی اصفهان را داشت، ولی از آن مقام

کناره گیری کرد.<sup>۲۵</sup> به گفته جعفر المهاجر شیخ بهائی پس از مرگ پدرش شیخ الاسلام هرات شده است<sup>۲۶</sup> به هر حال مدت زمان زندگی او در هرات و شیخ الاسلامی او در اصفهان تاریخ مشخصی ندارد. در هر صورت شیخ بهائی بیشتر یک شخصیت علمی-مذهبی است که آثار بسیار متعدد و گرانبایی در تاریخ شیعه از خود به جا نهاده، از جمله آنها کَشکول شیخ بهائی که نشان دهنده ذوق او در شعر و داستان های کوچک است و نیز کتاب جامع عباسی به دستور شاه عباس یکم است، اما مرگ او مانع انجام کامل آن کار شد. شیخ بهائی به دستور شاه رساله کوتاهی به نام «حرمة ذبائح اهل الکتاب» برای پاسخ به سؤال علمای دینی روم در مورد حرام دانستن ذبیح اهل کتاب نوشت. شیخ بهائی برای اجرای دستور او به شتاب و در فرصت کوتاهی که داشت رساله یاد شده را نوشت. پس از آن شاه عباس دستور داد تا این رساله به همراه سفیر عثمانی به آن کشور ارسال شود تا ابهام ها برطرف شود و علمای عثمانی بدانند که شیعیان ایران مخالف متن کتاب خدا عمل نمی کنند.<sup>۲۷</sup> شیخ بهائی علاوه بر تبخیر در علوم مختلف معمار و مهندسی دقیق بوده که سیوری در کتاب خود از او چنین یاد می کند، «در خود معماری (عصر صفوی) عناصر نوظهور کمی وجود داشت. بدایت شهرسازی شاه عباس در جسارت خیال و مقیاس عظیم طرح بود، که مشتمل بر بنای پایتختی بزرگ با خیابان ها، قصرها، دیوانخانه ها، مساجد، مدارس، بازارها، حمام ها، قلعه ها و باغ هاست. دست راست شاه در کار عملی ساختن این طرح بلندپروازانه مردی بود به راستی برجسته یعنی شیخ بهاء الدین عاملی که به شیخ بهائی معروف است. او به عنوان عالم عالی قدر، فیلسوف، مفسر قرآن، فقیه، منجم، معلم، شاعر، مهندس، چکیده جامعه صفوی عصر شاه عباس بود، مذهب، عالم، دانا و متقی.<sup>۲۸</sup> در سال های پایانی فرمانروایی صفویان

۲۰. منصور هفت گل، ساخت نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۱۶۳.
۲۱. سید محمدعلی حسینی زاده، علما و مشروعیات دولت صفوی، ص ۱۵۷-۱۵۸.
۲۲. منصور هفت گل، ساخت نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۱۷۰.
۲۳. مهدی فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص ۲۳.
۲۴. منصور هفت گل، ساخت نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۱۸۱.
۲۵. افندی الاصفهانی، ریاض العلماء، به کوشش سید احمد الحسینی، ص ۹۴ (ج ۵، ق ۱۴۰۱).
۲۶. للهجرة العالمية الى ایران فی العصر الصفوی، ص ۱۵۴.
۲۷. منصور هفت گل، ساخت نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۱۸۳.
۲۸. راجر یسوری، ایران عصر صفویه، ترجمه احمد صبا، ص ۱۳۸ (چاپ اول، گوته، تهران، ۱۳۶۳).



مهمترین خاندان علمی مهاجر در مشهد خاندان حرّ عاملی بودند که مشهورترین آنها شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی دانشمند مهاجر جبل عاملی است که چهره‌ای ممتاز و برجسته میان مهاجران عاملی و عالمان صفوی داشت. چهل سال از عمر خود را در جبل عامل گذراند و در محضر پدر، جدّ مادری و عموی خود و بسیاری از دانشمندان آن دیار دانش اندوخت، پس از آن به ایران مهاجرت کرد و در اصفهان با علامه مجلسی دیدار کرد. وی منصب شیخ الاسلامی و قضای مشهد را برعهده داشت و در همان شهر درگذشت.<sup>۲۹</sup>

سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان، مشهد با تکاپوهای مذهبی سیاسی شیخ حرّ عاملی کانون گرایش اخباری فقه شیعه گشت. آثار علمی شیخ حرّ عاملی عمدتاً در جهت گرایش اخباری نوشته شده‌اند که مشهورترین آنها کتاب مهم و برجسته تفصیل و سبایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه است که مشتمل بر احادیث شیعه است. در کنار شیخ حر دو تن از علمای اخباری دیگر نیز ظهور کردند که در واقع مکمل یکدیگر در شهرهای قم و مشهد و اصفهان شدند و اندیشه‌ها و گرایش‌های شدید ضد خردگرایانه داشتند و همین امر سبب بروز اختلافاتی میان علمای آن عصر گردید و وجود این مثلث (قم و اصفهان و مشهد) با وجود علمای برجسته اخباری نشانگر تحول چشمگیر ساختار دینی ایران در اواخر فرمانروایی صفوی است.<sup>۳۰</sup>

طبق گفته کتاب امل الآمل حدود ۱۴۳ نفر پیش از سدهٔ دهم / شانزدهم (میلادی) در جبل عامل می‌زیستند که چهل و پنج نفر از اینان از جبل عامل مهاجرت نکردند و با وجود دشواری‌های بسیار در منطقه باقی ماندند. هفت نفر از آنان نیز مهاجرت کردند، ولی پس از مدت کوتاهی به زادگاه خود بازگشتند. ۳۱ تن از آنان به ایران و حجاز و یمن و هند و عراق کوچیدند، ولی به طور دائم در این مناطق نماندند و شخصت نفر باقی مانده به ایران مهاجرت کردند و در این کشور ساکن شدند.<sup>۳۱</sup> به درستی نمی‌توان فهرست مشخصی از علمای عاملی مؤثر زمان صفوی ارائه کرد، به همین دلیل به ذکر همین چند نفر بسنده شد که بیشتر از بقیه نقش مؤثر و بسیار سازنده در فرهنگ دینی ایران داشتند.

#### پیامدهای حضور علمای مهاجر در ایران

نخستین و شاید بنیادی‌ترین پیامد مهاجرت فقیهان جبل عامل به ایران، نقشی بود که آنها در توسعه و پیشبرد تشیع در ایران برعهده گرفتند. هنگامی که دولت صفوی در ایران استقرار یافت تشیع فقط در چند شهر کوچک مانند ساوه و قم و ری و ورامین و چند منطقهٔ دیگر رواج داشت و بسیاری از مردم ایران بر مذهب تسنن

بودند. از دیگر پیامدهای حضور علمای عاملی در ایران کمک به ظهور روند اخباریگری و نیز جمع‌آوری احادیث شیعه، تصوف زدایی که بسیاری از علما از جمله علی بن محمد بن حسن بن شهید ثانی معروف به شهیدی، شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی و دیگران رساله‌های مجزا و مستقل در ردّ صوفیه و تصوف نگاشتند و نیز از پیامدهای ادبی حضور مهاجران عاملی غیر از ارائهٔ کتب فراوان در زمینه‌های مختلف دانش‌های شیعی بنیانگذاری کتابخانهٔ ارزشمند آستان قدس رضوی است که به گفتهٔ جعفر المهاجر فضیلت این خدمت گرانبها به شیخ اسدالله بن محمد مؤمن خاتون باز می‌گردد. وی در سال ۱۰۶۷ تعداد ۳۹۹ کتاب دست‌نوشته را وقف این کتابخانه کرد.<sup>۳۲</sup>

نتیجه: هیچ‌گاه و در هیچ دوره‌ای از تاریخ نمی‌توان نقش اساسی و محوری علمای مهاجر شیعی را در زمان صفویه نادیده گرفت. وجود علمایی چون محقق کرکی به عنوان برجسته‌ترین عنصر فقهی موجود در دربار صفوی و تأثیر آرا و افکار آنها در روند شکل‌گیری فرهنگ اجتماعی و مردمی شیعی ایران از روزگار صفوی تا امروز موضوعی اجتناب‌ناپذیر و غیر قابل انکار است.

گرچه موضوع تطبیق آرمان‌های تشیع با آرمان‌های سیاسی و اجتماعی موجود در دستگاه صفوی همواره دو عنصر متناقض هستند و برداشت‌های متفاوت از عملکرد علما در دربار صفوی در لایه‌لایه نوشته‌ها می‌یابیم حقیقت از روی آثار و نظریات علما و ریشه‌یابی فتاوی موجود در رساله‌های آنان به راحتی می‌توان آثار آموزه‌ها و اندیشه‌های شیعه اثنی‌عشری (جعفری) را یافت و با دید واقع‌بینانه‌تر و کمی انصاف تاریخی می‌توان به بزرگی و عظمت فعالیت‌های علمایی چون محقق کرکی در دربار صفوی پی برد و بهتر است که طرفداران آن اندیشه از خود این سؤال را بپرسند که اگر علما در زمان صفویه به تقیّه خود ادامه می‌دادند و روش گذشته خود را پیش می‌گرفتند چه بر سر شیعه و فقه شیعه می‌آمد، آن هم با وجود افکارهای عرفانی و صوفیانه اوایل حکومت صفوی.



۲۹. خونساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ترجمهٔ ساعدی خراسانی، ج ۷، ص ۳۵۱ (تهران، ۱۳۶۰ ش).
۳۰. منصور هفت گل، ساخت نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۲۳۲-۲۳۳.
۳۱. مهدی فرهانی منفرد، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، ص ۹۴.
۳۲. همان، ص ۱۵۶-۱۶۸.